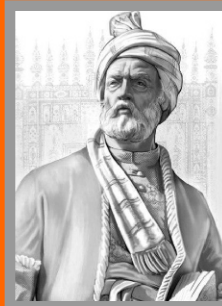
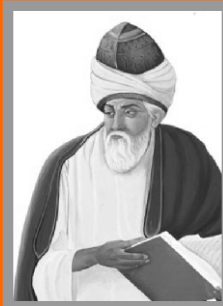
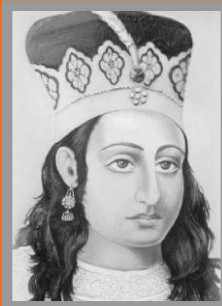
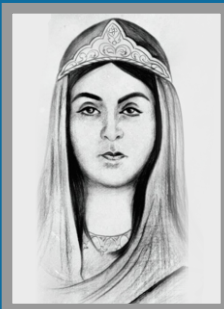


نامه

نوروز

ویراست نخست - نوروز ۱۴۰۲

نگاهی به زندگی‌نامه‌های روز شمار نوروز چهل روز



ای دگرگون کننده دل ها و دیده ها
ای تدبیرکننده شب و روز
ای گرداننده سال و حال
بگردان حال ما را به نیکوترین حال



خانه مولانا
KHANA-E-AWLANA

نوروز نامه

سالنامه فرهنگی نوروزنامه | ویژه نوروز چهل روز

■ ویراست نخست ♦ نوروز ۱۴۰۲

■ ناشر: خانه مولانا

■ طراح جلد و برگ آرا: نثار آریانفر

■ چهره نگاری برخی از تصاویر: روح الله رحیمی

■ همکار: رسانه آنلین بلوآی

BLUEYE

سخن نخست

بنام خداوند جان و خرد

رسید موبک نوروز و چشم فتنه غنود
درود باد بر این موبک خجسته، درود
به هر که درنگری، شادیی پزد در دل
به هر چه برگذری، اندھی کند بدرود

سهراب سپهری

نوروز خوانندگان خجسته باد!

نوروز سال ۱۴۰۲ هجری خورشیدی در حالی فرا می‌رسد، که از یک طرف ابهامات و سیاست‌های نوروز ستیزانه عناصر متحجر در درون قلمرو بزرگ نورزوی ادامه دارد و از سوی دیگر تهاجم پروژه‌های جهانی استعماری، از بیرون این قلمرو با آیین‌های نیک و پسندیده ملت‌ها و اقوام، سرخصومت گرفته و در پی تضعیف آن است. از جنوب آسیا تا جهان غرب در پهنای بزرگ جغرافیای نوروز، به نام‌های مختلف و با سیاست‌های ظاهراً ملی گرایانه در درون مرزهای ملی تعدادی از کشورها بخشی از هویت نوروز را مسخ کرده بارنگ و صورت ملی، از کلیت این آیین فراقومی و فرادینی می‌کاهند.

این جشن هماهنگی با حیات دوباره طبعیت در افغانستان به ویژه بلخ، که خاستگاه تاریخی و پایتخت فرهنگی نوروز می‌باشد؛ نسبت به دیگر بخش‌ها بیشتر با تهاجم و ستیز مواجه گردیده است. نوروز به عنوان یک رسم باستانی و سنت دیرین که از گذشته‌های دور به این سودر بلخ برگزار می‌گردید، برای دوسال پی هم است که در زیر چکمه نوروز ستیزان، افراط گرایان و لشکر بیگانه از فرو فرهنگ، قرار گرفته ورنج مضاعف می‌کشد. بلخ این قبله‌ی عارفان و عاشقان، نه شکوه نوروزی دارد و نه درفش کاویانی آن بانسیم بهاری در اهتزاز است. حتی لاله‌زارهای دشت‌ها و گل‌های کوهی خسته و افسرده، بی ذوق و بی شوق جلوه‌نمایی می‌کنند. انگار که به حکم تکلیف و به اجبار قد برافراشته‌اند.

اما با این همه بلخ، افغانستان و نوروز، این چنین سرگذشت‌های تیره و سیاه را در تاریخ زیاد دیده است. هنوز خاطره‌های ویرانگری ضحاک و چنگیز در حافظه این سرزمین و مردم آن زنده است. چنانکه زمستان‌های یخ‌زده و تحجر، علی‌الرغم طنطنه‌شان گذشت و بهار امیدبخش فصل‌های پرثمری را دوباره نوید داد. به قول سیف فرغانی:

هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد

هم رونق زمان شما نیز بگذرد

وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب

بر دولت آشیان شما نیز بگذرد

در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت

وین عو عو سگان شما نیز بگذرد

نهاد «خانه مولانا» با تعلق فکر و اندیشه به خداوندگار بلخ، این خورشید درخشان حوزه تمدنی مشترک نوروز، در پی آن است تا نقش خود را در پاس داری از ارزش های فرهنگی، هویتی و تاریخی ایفا کند.

این بنگاه فکری و فرهنگی بر آن است که برنامه های ساختارمند، معیاری، بروز و پیوسته را در راستای آگاهی دهی از گذشته تاریخی، فر و شکوه سرزمین ما، اجرا نماید. در همین راستا برای بزرگداشت از نوروز با طرح و اجرای برنامه های متنوع، بحث روی ابعاد گوناگون نوروز از طریق راه اندازی گفتگوهای توییتری، ویب نارها، پادکست ها و گفت وگوهای ویژه، نامگذاری چهل روز بنام شخصیت های تأثیر گذار تاریخی؛ سهم گیری در تولید مستند «بلخ، خاستگاه نوروز»، گردآوری مقالات و اشعار برای بنا نهادن و تولید مجله «نوروز نامه» در دو بخش «مقالات و شعر»، و مجله «نوروز چهل روز» را به مناسبت نام گذاری هر روز به نام یکی از نام آوران و مفاخر حوزه کلان تمدنی، روی دست گرفت و عملی کرد.

فلسفه نامگذاری «نوروز چهل روز» برآمده از آیین دیرین مردم بلخ است که از گذشته های بسیار دور و شاید از دوره باستان، بلخی ها نوروز را از اول ماه فروردین / حمل با حیات مجدد طبیعت آغاز و آن را تا برگشت گل لاله در دهم ماه اردیبهشت / ثور ادامه می دهند. در این چهل روز مردم با فضای نوروزی در بلخ و حوالی آن زندگی می کنند؛ جهنده حضرت علی یا درفش کاویانی بلخ برای چهل روز برافراشته می ماند و در پایان چهل روز با مراسم ویژه اما محدودتر از مراسم جهنده بالا، این درفش را پایین می کنند و در انبار مخصوص می گذارند. همچنان در این چهل روز، تعدادی از اخلاص مندان به چله نشینی مبادرت می ورزند. مردم هم چنان نذر ها و هدایای به بارگاه مولای متقیان می آورند و روضه حضرت علی «رض» پر جنب و جوش است.

به این سبب، قرار شد تا این سنت نیک نیاکان و نوروز پسندان بصورت پیوسته در یک مجله حفظ گردد. نهاد... «خانه مولانا» برای پاسداشت از مفاخر بزرگ این حوزه کلان فرهنگی - تمدنی که مهمترین عنصر مشترک آن نوروز است، هر روز از این چهل روز را به نام یکی از این افتخارات نامگذاری نموده است تا نسل های جوان، مفاخر خود را در حافظه داشته و از آنان به پاس خدمات ارزنده و نقش تاریخی شان، قدردانی کنند. قابل ذکر است که حوزه بزرگ تمدنی ما ستارگان درخشان بی شماری دارد. برای «خانه مولانا» دشوار بود از میان هزاران قله شامخ دانش، عرفان، هنر و ادبیات چهل تن را انتخاب نماید. بنابراین، با توجه به تقویت بلخ محوری آیین نوروز، روز های چهل گانه به نام کسانی مسما گردید که هر کدام به نوعی با نوروز و بلخ ارتباط داشتند. در عین حال زنان نامداری با این هدف در شمار مفاخر انتخاب گردیده اند. در این میان بزرگان دیگر بوده اند که در فرصت های دیگر فرهنگی پاس آن ها هم چنان اداء خواهد شد.

واضح است که «خانه مولانا» در محدوده یک نهاد فرهنگی، بدون حمایت بی دریغ و همکاری های بی شایبه مورد رهبری، مشورتی و اجرایی، قادر به فراهم آوری، تولید و چاپ دیجیتالی این مجله و اجرای سایر برنامه ها نبود، بناً در همینجا، صمیمانه از همیاری همه عزیزان کمال قدردانی و سپاس گزاری داریم و در عین حال «خانه مولانا» از سایر عزیزانی که در مباحث، گفت وگوها و برنامه های نوروزی «خانه مولانا» سهم داشتند، قدردانی می نماید.

ما برای پاسداری از فرهنگ و تاریخ با عظمت سرزمین خویش با رویکردهای نو و تازه، حضور خواهیم داشت و حتی المقدور تلاش می کنیم که در کنار ادای مسوولیت، با فرهنگ ستیزی مقابله کنیم.

نوروزتان پیروز!

بنیان‌گذار بلخ و تمدن آریایی

نخستین شاه آریایی

شاه طبیعت و مدنیت پرور



کیومرث

انسان نخستین آریایی

کیومرث، گیومرث و گیومرتن در منابع فارسی باستان و اوستایی، به باور آریایی‌هایی قدیم نخستین انسان دانسته می‌شود. چون او به دوره اساطیری پیوند دارد از روزگار او آگاهی چندانی در دست نیست. به همین روی مؤرخان زمان مشخصی را برای دوران زندگی او تعیین نکرده‌اند. در شاهنامه فردوسی از او به عنوان نخستین شاه ایران زمین و انسان آراسته بانی‌کخویی و مردم دوستی یاد شده است، که سی سال سلطنت می‌نماید و بنیان پادشاهی پیشدادیان را می‌گذارد. مطابق روایت شاهنامه، پادشاهی کیومرث از روز نوروز که جهان پر از فر و آیین و آب است آغاز می‌گردد و او در چنین روزی تاج شاهی را به سر می‌نهد. هم‌چنین مؤرخان گفته‌اند: که کیومرث اولین انسانی است که زندگی در گستره تمدن و یکجانشینی را برای مردمان ایران زمین اساس گذاشته است. اینچنین او را بانی و ترویج دهنده انواع پوشاک، خوراک، آموزش و پرورش دانسته‌اند. بنابراین کیومرث اضافه بر نمونه‌یی از نخستین پادشاه فریزدانی در تاریخ ایران کهن، بانی جشن نوروز و اساسگذار شهر نیز شناخته می‌شود.

زن مدبر و دانا

نخستین زن دیپلمات در تاریخ

بانوی سیاست‌گر و نماد صلح‌جویی



سیندخت کابلی

شاهدخت کابل زمین

سیندخت شهبانوی کابل زمین، همسر مهرباب شاه کابلی و از زنان خردمند، دوراندیش، دانا و فرهیخته عصر باستان و نخستین سفیر کاردان زن در تاریخ است. این زن فهیم و تلاش‌گر در دوره پیشدادیان در کابل چشم به جهان گشود و در این سرزمین به همسری شاه کابل درآمد. سیندخت در منابع اساطیری فارسی به عنوان یک زن باتدبیر و با حکمت دانسته شده است که با درایت و فصاحت در زبان، از جنگ حتمی میان کابل شاهان و مخالفین آنان جلوگیری کرد. سیندخت هم‌چنان مادر رودابه و مادر کلان‌رستم، پهلوان افسانوی آریایی است. هم‌چنان بر اساس روایت‌های اساطیری، سیندخت را نخستین پیام‌آور صلح و آشتی دانسته‌اند. او با هشیاری و هوشمندی موفق شد تا از برخورد میان مهرباب شاه و سام جلوگیری کند. این بانوی سختکوش حتی برای ایستادگی در برابر بر خوردها و جنگ‌ها با افراد درون دربار کابل شاهی مشاجره می‌کرد. بخش عظیمی از پهلوانان اسطوره‌ای ادبیات باستان ما مانند رستم و سهراب از نوادگان سیندخت کابلی هستند. بر اساس روایات باستانی، سیندخت در کابل از دنیا رفت.



رستم دستان

پهلوان اسطوره‌ای

فرمانده دلیر شاهنامه فردوسی

مرزبان میهن باستانی ما

پهلوان اخلاق‌گرا و انسان دوست

رستم فرزند زال فرمانده و سپه‌سالار میهن دوست و پهلوان اخلاق‌گرا و آرمانی سرزمین ما است، رستم شخصیت محوری در دوره حماسی شاهنامه فردوسی پنداشته می‌شود که برای برقراری و استحکام شاهنشاهی فلات ایران جانفشانی‌های بسیاری می‌نماید و از مرزهای ایران زمین یا به عبارت دیگر آریانیای کهن با فداکاری و جانفشانی پاسداری می‌کند. افزون بر شاهنامه فردوسی، رستم در اشعار اغلب شاعران فارسی‌زبان مورد تحسین قرار گرفته است. از جمله مولانا جلال الدین محمد بلخی در اشعار عارفانه اش، او را نماد دلیری و ایثار و عشق می‌داند و از یاران سست عنصر شکایت و شجاعت رستم دستان را آرزو می‌کند. در روایت‌های بومی و مردمی نیز، به ویژه در میان فارسی‌زبانان افغانستان رستم الگوی عیاری و پهلوانی است؛ چنانچه سربازان و مردمان اطراف هندوکش در دوره‌های مختلف پیوسته فرماندهان دلیر خود را رستم زمان خوانده اند. این نشان می‌دهد که رستم افزون بر نماد اقتدار و پهلوانی، نماد میهن دوستی و آزادگی نیز بوده است.

شاه یکتاپرست آریانای بزرگ

حامی اصلاحات دینی

شاه جهان‌گشا و تمدن ساز



گشتاسب شاه حکیم

گشتاسب یا کی گشتاسب یا کی ویشتاسپ شاه بزرگ ایران زمین و از معاصران حضرت زردشت پیامبر نیک‌پندار پارسیان دانسته می‌شود که از دودمان کیانیان بلخی است. منابع تاریخی پایتخت او را نیز بلخ ذکر کرده‌اند. هم‌چنین گفته‌اند که عنوان کی (گوی) در ایران شرقی معنی شاه را افاده می‌کرده است. در میان پادشاهان قدیم، گشتاسب کسی است که نام او بیشتر از همه در ادبیات پارسی میانه آمده است. او فرزند لهراسپ بوده که حضرت زردشت را در ترویج پیام اهورامزدا یاری فراوان می‌رساند و آتشکده بزرگی را در بلخ بنیان می‌نهد. قابل یادآوری است که در مورد گشتاسب روایت‌های گوناگونی ارائه شده و در اوستا به خاطر ترویج دین زردشتی بسیار تحسین شده است. شماری از منابع تاریخی گشتاسب شاه بلخ را پدر داریوش بزرگ "شاه شاهان" می‌دانند. اما بنابر روایت‌های چندگانه، میان مؤرخان همسویی وجود ندارد تا ثابت شود که از نگاه تاریخی، گشتاسب کیانی با گشتاسب هخامنشی پدر داریوش بزرگ یکی است یا خیر. در تاریخ طبری گفته شده که: گشتاسب در روزگار باستان بر سرزمین‌های پهناوری، همچون بابل، بیت‌الحم (بیت المقدس)، یمن و تا مرزهای مصر باستان حکمروایی داشته است.



۶
حمل

پهلوان اسطوره‌ای

زن نیرومند

نماد عشق و پهلوانی

تهمینه

شاهدخت سمنگانی

شاهدخت تهمینه، دختر شاه سمنگان، همسر رستم و مادر سهراب است. مطابق روایت شاهنامه او هم‌دورهٔ افراسیاب، کی قباد و کی کاوس است و نیز از تهمینه به عنوان زن قهرمان، قدرتمند و باشکوه یاد شده است. تهمینه در شاهنامهٔ فردوسی همان زنی است که نامش با عشق به رستم پیوند خورده و فرزند پهلوانی به نام سهراب را به دنیا آورده است. او پهلوان بانویی دانسته می‌شود که دل‌باختهٔ رستم بوده است. شاه سمنگان رستم را مهمان می‌کند و تهمینه این پهلوان دختر چون وصف دلاوری رستم را قبلاً شنیده بود به او ابراز عشق می‌نماید، رستم بارسم و آیین مروج، موبدی را به خواستگاری او نزد پادشاه سمنگان می‌فرستد؛ شاه از این وصلت شادمان می‌شود و پهلوانان سمنگان همه به رستم تبریک می‌گویند و جشن و شادمانی بزرگی برای هر دو برپا می‌کنند، از ثمرهٔ این دواج، فرزندی به نام سهراب به دنیا آمد که نشانه‌های پهلوانی و قدرت پدر را داشت. سهراب براساس روایات اساطیری در حال نا‌آشنایی در جنگی ناخواسته با پدر، کشته می‌شود که فردوسی این داستان غم‌انگیز و تراژید را بنام "پُر اشک چشم" یاد کرده است. گفته می‌شود تهمینه نیز پس از خبر مرگ پسر درگذشت.



پیام آور:
گفتار نیک، پندار نیک و کردار نیک
“راه در جهان یکی است و آن راه راستی است”

زردشت پیامبر یکتا پرست

زردشت یا زرتشت نخستین پیامبر یکتاپرست در تاریخ باستان ما است. در برخی منابع تاریخی گفته شده که او حوالی ۶۶۰ قبل از میلاد چشم به جهان گشوده است و در سال ۶۳۰ قبل از میلاد در بلخ به پیامبری رسید و به عنوان دعوت گر به گفتار نیک، کردار نیک و پندار نیک مردم را به سوی نیکی دعوت می کرد. زردشت خدایان پیش از خود را باطل دانسته مردم را به سوی پرستش اهورا مزدا فرامی خواند. این پیامبر، روشنایی آتش را مظهر خدای بزرگ می دانست. او برای رساندن پیام خود به مردم در سراسر ایران زمین و سرزمین های اطراف تا بابل مسافرت می کند و در هر کجا مردم را دعوت به سوی آیین خود می کند. زردشت کتاب «زند» را برای ترویج افکار و عقاید خود به گشتاسپ - شاه بزرگ اسپه بلخ تقدیم کرد. «گاتها» دربرگیرنده مضامینی چون توحید، آزادی اندیشه و نظم اجتماعی است. در جهان بینی اویستایی زردشت، جهان پر از نیکی و بدی است که این دو پدیده دائماً در جنگ با هم دیگر هستند. «اهریمن» نماد بدی در آیین زردشت بود که به عنوان مظهر تاریکی و شر مطلق در پی گمراه کردن انسان هاست و در مقابل او «اهورا» مظهر نیکی و روشنایی قرار دارد که انسان ها را به راه راست هدایت می کند. زرتشت سرانجام در سال ۵۸۳ قبل از میلاد در آتشکده نوبهار بلخ توسط ار جاسپ تورانی کشته شد.



بانوی اهل خرد و دانایی

دختر زردشت پیامبر بزرگ آریانا

همسر جاماسپ حکیم

پروچیستای بلخی

شارع یکتاپرستی

پروچیستایا پروچیتا جوانترین دختر زردشت، نخستین پیامبر یکتاپرست، بزرگترین شارع آیین گفتار نیک، کردار نیک و پندار نیک در دوره اسپه‌ها است. او را در هنر و دانش سرآمد دانسته‌اند و به سبب توجه او به این دو حوزه در حافظه تاریخی ادبیات اساطیری فارسی‌زبانان، به الهه هنر و دانش شهرت یافته است. با توجه به زندگی پدرش، زردشت، که در دربار گشتاسب در بلخ مردم را دعوت به یکتاپرستی می‌کرد، پروچیستایا هم در این شهرزاده شد. پروچیستایا با جاماسپ حکیم، ستاره‌شناس معروف و شاگرد لقمان حکیم از مردان دربار گشتاسب ازدواج کرد. اهمیت ازدواج پروچیستایا با جاماسپ تا اندازه‌ای بوده که در هات پنجاه و سوم که بخشی از گات‌ها به شمار می‌رود، در ذیل آیین شوهرداری ثبت شده است. پروچیستایا پس از وفات پدر به ترویج و تبلیغ آیین یکتاپرستی پرداخت و به عنوان مرجع بزرگ این آیین تبدیل شد. از سال تولد و وفات او در اسناد و منابع تاریخی سخنی به میان نیامده است. هم‌چنین اطلاعات اندک از جزئیات زندگی پروچیستایا نشان می‌دهد که او در مسایل سیاسی و اجتماعی فعال بوده و سیر و سفرهای نیز در سرزمین‌های بزرگ اسپه‌ها داشته است.

پهلوان یکتاپرست

فرمانده میهن دوست

شهزاده خردمند



اسفندیار

شهزاده و فیلسوف

اسفندیار، پسر گشتاسپ شاه بلخ و شهبانو کتایون و نوۀ لهراسپ و شاهزاده کیانی بلخی در تاریخ اسطوره‌ای و حماسی ایران زمین یا همان آریانا، بنام قهرمان جنگ‌های مقدس کیش زرتشتی یاد شده است. گشتاسپ سه بار وعده پادشاهی به اسفندیار می‌دهد و هر نوبت به بهانه‌ای از واگذاری تاج و تخت خود به اسفندیار شانه خالی می‌کند و در نهایت نبرد بارستم و به بند کشیدن رستم را شرط پادشاهی او قرار می‌دهد. اسفندیار با وجود مخالفت‌های شدید مادر خود کتایون و برادرش به بهانه اطاعت از فرمان شاه و رسیدن به پادشاهی به نبرد با رستم می‌رود. اسفندیار در یک درگیری سنگین رستم را زخمی می‌کند. رستم بر فراز کوهی می‌رود و زمان دیگری را برای جنگ تعیین می‌کند. در داستانهای اساطیری می‌گویند: که اسفندیار رویین تن بود. در «زراتشت نامه» اثر زرتشت بهرام پژدو، شاعر قرن هفتم هجری آمده است که زردشت اسفندیار را که نوزادی بیش نبود، در آب مقدس شستشو داد که همین، سبب رویین تنی او گشت و تنها چشمانش را که هنگام شستشو بسته گرفته بود، آسیب پذیر باقی ماند. به همین رو مطابق روایت شاهنامه: زال پدر رستم برای کمک به پسرش از سیمرغ، پرنده افسانوی طلب کمک می‌کند که بلاخره اسفندیار توسط رستم و باراهنمایی سیمرغ با تیری که از درخت گز ساخته شده و به چشم‌مانش بر خورد می‌کند، کشته می‌شود، نبرد اسفندیار و رستم یکی از داستان‌های غم انگیز شاهنامه فردوسی است.



حمل

زن زاهد و با فضیلت

نماد صلح‌جویی و وحدت

مشاور دربار کوروی باستان

شهبانو گندهاری

نماد اخلاق و حماسه‌زنان در مهابهارت

شاهدخت و شهبانوی خردمند، اخلاق‌گرا و ایثارگر، دختر «سبالا» شاه کابل زمین و همسر ده‌ریشتر، از شاهان سلسله کورو در هند باستان است. او را نمونه یک زن فاخر و هوشیار و در عین حال مثبت در ادبیات حماسی مهابهارت دانسته‌اند که در سراسر این ادبیات اسطوره‌ای هند باستان به عنوان یک زن فهیم در پیوند انسان‌ها تلاش می‌کند. او شاهدخت شاه کابل زمین در گندهارا است و همسر شاه پوتالیپوترا (پتنه امروز در هند) می‌شود و به آن سرزمین نقل مکان می‌کند. شهبانو با حوصله‌مندی در دربار کورو به عنوان وزیر در تقویت سلسله کورو تلاش فراوان می‌کند. گندهاری بر اساس روایات مهابهارت زن زیبا و با فضیلت بود. فرزندان شهبانو گندهاری در ادبیات بعدی حماسی مهابهارت در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی، میراث حماسی و اسطوره‌ای فراوان از خود به یادگار گذاشته‌اند. با احترام به نقش مثبت او در تاریخ باستانی هند و براساس باورهای آیین هندو معبدی در شهر میسور از توابع ایالت کرناटक بنام او ساخته شده است. همچنان تاگور را ایندرا نات شعر معروفی در وصف او سروده است.

باب علم

مولای متقیان

از سخنان معروف او:
«هر روز ما نوروز باد»



حضرت علی

یار پیامبر و خلیفه مسلمانان

حضرت علی ابن ابی طالب معروف به شیر خدا و مولای متقیان، از یاران عشره مبشره، کاتب وحی و خلیفه چهارم از میان خلفای راشدین و تاثیر گذارترین چهره تاریخ اسلام می باشند که در میان تمام فرقه های اسلامی از محبوبیت برخوردار هستند. ایشان در سال ۲۳ پیش از هجرت در مکه و در خانواده ابوطالب - کاکای پیامبر اسلام بدنیا آمدند. حضرت علی (رض) در سال ۳۵ هجری پس از شهادت حضرت عثمان بن عفان (رض) بواسطه اجماع مسلمین به عنوان خلیفه انتخاب شدند. آن حضرت بر علاوه کاکازادگی با پیامبر هم چنان داماد پیامبر اکرم (ص) (شوهر فاطمه الزهرا) نیز هستند. این خلیفه بزرگ اسلام به فرهنگ ها و رسوم پسندیده ملت های غیرمسلمان هم چنان با دیده قدر نگرسته و به آنها احترام می گذاشتند. چنانچه هنگامی که مرزبان جد بزرگ امام ابوحنیفه، با هدایای نوروزی به دارالخلافه اسلام در عراق، به حضور حضرت علی حاضر شد، آن حضرت (رض) این هدایا را پذیرفتند و در پاسخ به این موهبت خراسانیان چنین فرمودند: «هر روز ما نوروز باد!». حضرت علی (رض) در سال ۴۰ هجری توسط خوارج که از مخالفان اعتقادی شان بودند به درجه رفیع شهادت نایل آمدند و پیکر اوشان به دلیل موجودیت مخالفان داخلی و خارجی به واسطه حامیان و طرفداران شان، مخفیانه در جایی در کوفه دفن شد. تا اینکه بعدها بر اساس روایات، پیروان آن حضرت در خراسان به تشویق امام جعفر صادق و اقدام ابومسلم خراسانی، تابوت حامل جسد را از ترس غلبه مخالفان او به خراسان آوردند و در بلخ دفن کردند که آرامگاه منسوب به او در شهر مزار شریف زیارت گاه عام و خاص است.



۱۲
حمل

امام عقل و رای

مجتهد عرف‌گرا

مجتهد فاضل و عادل

حضرت امام ابوحنیفه امام اعظم

نعمان بن ثابت بن زوطی بن ماه معروف به ابوحنیفه یا امام اعظم و سراج الامه فقیه، متکلم و بنیان‌گذار مکتب فقهی اهل‌رای است که در سال ۸۰ هجری در خانواده خراسانی‌الاصل از اهالی کابل تولد یافت. براساس روایات، عمر بن حماد زوطی - پدر بزرگ ابوحنیفه در زمان فتح بلخ بواسطه مسلمانان به اسارت درآمد. او نزد علما و فقه‌های بزرگ عراق، مکه و مدینه به خصوص حماد بن سلیمان کسب دانش کرد و به زودی به عنوان مجتهد امور دین بر مسند فتوا نشست. اما ابوحنیفه هم‌چنان در کنار امور بازرگانی به تدریس فقه در کوفه پرداخت. شهرت امام در امور مذهبی و روش عقل‌گرایانه او در امور اجتهادی باعث شد تا پیروان زیادی در مکتب او گرد هم آیند. شیوه اجتهادی امام در حلقات درسی که براساس مباحثات و مجادلات بود، اساس‌گذار یک مسلک خوب فقهی برای جهان اسلام شد. او با توجه به اصالت خراسانی‌اش، رسوم و آداب پسندیده خراسانیان را مورد حمایت قرار داده و عرف را از پایه‌های مهم اجتهادی دانست. امام در موارد سیاسی نیز مجتهد فعال بود و با انکار از پذیرش منسب قضاء در حکومت اموی، نخواست پایه‌های مشروعیت این حکومت را تقویت کند. در عوض از قیام زید بن علی رض‌پشتیبانی کرد. امام ابوحنیفه در سال ۱۵۰ هجری در بغداد رحلت نمود و در همانجا به خاک سپرده شد.

محدث صدوق و ثقه

راوی بزرگ خراسان

فقیه نامدار



ابوسلیمان جوزجانی

فقیه و محدث

ابوسلیمان موسی بن سلیمان جوزجانی معروف به فقیه اهل رای و محدث، از علمای بزرگ احناف در نیمه اول سده دوم هجری، در جوزجان از توابع خراسان بدنیا آمد. او برای کسب تحصیل به عراق مسافرت کرد و نزد امام ابویوسف و امام محمد شیبانی، یاران معروف امام ابوحنیفه فقه را آموخت. جوزجانی هم‌چنان از محدثان شناخته شده زمان خود بود و نزد همشهری خود ابوذر بن ابی‌رجاء محمد جوزجانی، محمد بن صالح بلخی و دیگران دانش حدیث فراگرفت. ابوسلیمان جوزجانی از شاگردان امام ابوحنیفه و حلقه وصل فقه احناف به نسل‌های بعدی به خصوص در خراسان است. او با نوشتن کتاب المبسوط، آرای فقهی امام محمد شیبانی را در خراسان ترویج کرد. هم‌چنین از جوزجانی آثار فقهی منحصراً به آرای خود او به جا مانده است. این فقیه و محدث نامدار خراسان در سال ۲۰۰ هجری چشم از جهان بست؛ وی در زمان حیاتش وظیفه قضا را نپذیرفت. صاحب فضایل بلخ به جست‌وجوی تربت او به جوزجان و پس از پرس‌وپال از آن جا به فاریاب رفته تربت او را در آن جا زیارت کرده است. به گفته مؤلف فضایل بلخ آثار دیگر ابوسلیمان جوزجانی عبارت اند از: الشُّروط الکبیر و السَّیر الصَّغیر، الصلاه، الرَّهن و نوادر الفتاوا است



پرچمدار آزادی خراسان بزرگ

فرمانده عدالتخواه

مبارز استبداد برانداز

ابومسلم خراسانی

سپهسالار خراسان

در برخی منابع نام اصلی او بهزادان پور وندیداد یا پسر وندیداد گفته شده، در منابع گوناگون تاریخی آمده است که: ابومسلم در یک خانواده پارتی تبار در شهر سرپل از توابع بلخ یا هرات و به قولی اصفهان و یا هم مرو چشم به جهان گشوده است. زادسال او را بین ۱۰۰ تا ۱۰۵ هجری تخمین کرده اند. نام اصلی او به دلیل تعلق به یک خانواده بزرگ زردشتی بهزادان بوده که بعد از اسلام آوردن به توصیه ابراهیم امام، یکی از بزرگان عباسی به عبدالرحمان تغییر نام داده است. از شخصیت و کارنامه او بسیار تحسین شده است. چون ابومسلم پرچمدار آزادی خواهی و عدالت خواهی در خراسان بزرگ در برابر حاکمان مستبد و بیگانه اموی بود؛ بالاخره توانست سلسله امویان را به زور شمشیر از قدرت برکنار نماید و هم به همت او بود که عباسیان به خلافت بغداد رسیدند. گفتنی است خلیفه دوم عباسی که از قدرت روز افزون و جایگاه مردمی او رشک می برد، او را در سال ۱۳۷ هجری به بهانه مشورت خواهی در امور اداره خراسان به بغداد دعوت نمود و بصورت ناجوانمردانه او را به شهادت رساند که پس از شهادت او خراسانیان جنبش خون خواهی راه انداختند که آن جنبش در تاریخ سرزمین های ما به "جنبش سیاه جامه گان" معروف است.

خردگرا و حامی آیین خردورزی در اسلام

وزیر دانا و فاضل

حاکم موصل، طبرستان و خراسان



خالد برمکی

نیای برمکیان بلخ

خالد برمکی از دولت مردان فاضل و دانشمند آل برمک، در بلخ به دنیا آمده است و او را وزیر دانشمند و کلر گزار مهم حکومت و در عین حال نیای برمکیان خوانده اند. از تحصیلات عالی خالد برمکی اطلاعی در دست نیست، او در زمره داعیان ابراهیم امام عباسی و سردار ابو مسلم، قحطبه بن شبيب، در آمد. خالد نخستین کسی بود که اسناد پراکنده دیوانی را در دفاتر ثبت کرد و در سال ۱۳۲ هجری به وزارت دربار عباسیان منصوب شد و در سال ۱۵۸ هجری به حکومت موصل و آذربایجان رسید. خالد برمکی در طبرستان «منصوره» بازاری ساخت و قصری در خالد آباد بنا کرد. او در خلافت مهدی به امارت فارس رسید و کارنامه هایش در دولت داری شهره عالم گشت و در امور مهمی نقش بسیار ارزش مند داشت. او در زمان ابو عبدالله مهدی در حالی که به هفتاد سالگی رسیده بود، همراه با پسرش یحیا برمکی در لشکر کشی خلیفه علیه بیزانس شرکت ورزید. سر انجام خالد در سال ۱۶۳ هجری در بلخ چشم از جهان بست و در همانجا به خاک سپرده شد.



بنیانگذار علم اخترشناسی در دوره عباسی

فیلسوف نو افلاطونی

تقویم شناس

ابومعشر بلخی رئیس اخترشناسان

ابومعشر جعفر بن محمد بن عمر فلکی بلخی، فقیه، محدث و ریاضی دان معروف جهان اسلام و رئیس منجمان دارالخلافه دولت عباسی در سال ۱۷۱ هجری در بلخ زاده شد و در این شهر به تحصیل پرداخت. ابومعشر پیش از آن که به ستاره شناسی روی آورد، در بلخ به فقاہت و تدریس حدیث مشغول بود. اما شهرت او در ستاره شناسی است و در این حوزه نظریات منحصر به خود را دارد. بر اساس آرای ابومعشر در علم نجوم از وی به عنوان مشهورترین منجم زمانش نام برده اند. از این فرزانه بلخ آثار بزرگی علمی به خصوص در علم نجوم بجا مانده است. از شمار تألیفات او «اسرار علم نجوم» از شهرت جهانی برخوردار است. بر اساس دست آوردهای بی نظیر این دانشمند بزرگ تقویم شناسی در حوزه فلکیات و نجوم، دانشمندان امروز، مرکزی را به نام «مکتب ستاره شناسی ابومعشر» مسما کرده اند. ابومعشر بلخی رویکرد خرد ورزی نیاکان خود را می ستود و باور داشت که مردم خراسان بزرگ در برابر بلاهای آسمانی و آفات زمینی تدبیرهای خوب داشتند. او در سال ۲۷۲ هجری چشم از جهان بست.

هویت‌گرای خراسانی

امام شعرا

اندیشمند شعوبی



بشار تخارستانی شاعر و خطیب

ابی معاذ بشار بن برد العقیلی تخارستانی از شاعران بزرگ فارسی‌زبان و از پیشگامان نهضت عدالت‌خواهی شعوبیه است. او در سال ۹۶ هجری در یک خانواده خراسانی تخارستانی در بصره چشم به جهان گشود. بشار در جوانی با مشاهده مظالم حکومت اموی، به جریان نهضت شعوبیه پیوست. با انتقال حکومت از بنی امیه به بنی عباس، در کنار دیگر خراسانیان دانشمند و سیاست‌دان، وارد دستگاه عباسی شد و به کتابت و خطابت پرداخت. او با زبان شعر در ترویج افکار و اندیشه‌های شعوبی خود مبادرت ورزید. اشعار بشار پر از مفاخر نیاکان آریایی او است. او را شاعر نابینا ثبت کرده‌اند که با آواز بلند در کاخ سلطنت عباسی به نسب پاک نیاکان خراسانی خود می‌بالید. بشار را در شمار بزرگ‌ترین خطبا، بلغا و فصحای آن دوره دانسته‌اند. زبان صریح بشار دشمنان زیادی در دستگاه عباسی برای او تراشید تا اینکه او را به اتهام زندیقی و یازردشتی‌گری دستگیر و در سال ۱۶۷ هجری به قتل رسانیدند. وی در بصره به خاک سپرده شده است.



اسطورهٔ عشق و ایثار- شاعر عارف

نقاش و چهره‌پرداز

شهسوار و شمشیرزن

رابعه بلخی

مادر شعر فارسی

رابعه دختر کعب قزداري شاعر بانوي و مادر شعر فارسي در نيمهٔ نخست سدهٔ چهارم هجري در بلخ چشم به جهان گشود. از او به عنوان زن عارف، نقاش، شهسوار و شمشير زن در تاريخ خراسان ياد گرديده است. فضاييل و کمالات او را کساني چون رودکي، پدر شعر فارسي و شيخ فريدالدين عطار نيشاپوري وصف کرده اند. پدر رابعه از امرای محلی دولت سامانی در بلخ، سیستان، کندهار و بست بود. او در رکاب پدر به شهرها و بلاد مختلف خراسان سفر کرده است. رابعه در میدان نبرد در برابر دشمنان در دفاع از بلخ شرکت می کرد و می رزمید. از رابعه اشعار تغزلی و غنایی زیاد به یادگار مانده است. براساس برخی از منابع تاریخی، او بارودکی از نزدیک دیدار و مشاعره داشته است. برداشت های تنگ نظرانهٔ مردم در آن روزگار باعث شد تا عشق حقیقی رابعه که در سراسر اشعار او به وضوح نمایان است را عشق مجازی تفسیر کنند و به اتهام روابط عاشقانه با بکتاش از غلامان برادر رابعه (حارث)، در سال ۳۲۹ هجری توسط برادرش در حمام به قتل برسد. توجه عطار به رابعه بالاخره بابی را در عرفان گشود که به «عرفان رابعه» مسمما گردید.

اساس‌گذار تمدن زرین اسلامی _ خراسانی

شاه عادل و عیار خراسان بزرگ

پشتیبان کثرت‌گرایی



شاه اسماعیل سامانی

شاه بزرگ سامانی

شاه اسماعیل سامانی بنیان‌گذار سلسله سامانیان و بزرگ‌ترین شاه سلسله سامانی گفته می‌شود. او در سال ۲۳۴ هجری در خاندان سامان خدات بلخی چشم به جهان گشود. مؤرخان حکمروایی شانزده ساله شاه اسماعیل سامانی را به دو دوره تقسیم کرده‌اند. دوره نخست که اسماعیل به امارت بخارا رسید، مساحت حکمروایی او در ناحیه ماورالنهر خلاصه می‌شد. اما دوره دوم حکمروایی به جنگ‌های تحمیلی از سوی صفاریان پیوند دارد که سرانجام او در یک نبرد سخت بر عمرو بن لیث صفار در بلخ به پیروزی نهایی دست پیدا می‌کند و خاندان صفاری در سیستان تابع حکومت او می‌شود. شاه اسماعیل سامانی در هشت سال اخیر حکمروایی خود به جغرافیای پهناور خراسان بزرگ، ماورالنهر، طبرستان و ری تا قسمت‌هایی از جنوب آسیا مسلط شد. گفته شده: شاه اسماعیل به دادگری، نیک رفتاری، بردباری و مهربانی نسبت به مردمان شهره بود. او توجه فراوان به گسترش دانش و علم داشت، به همین سبب او را بنیان‌گذار تمدن عصر زرین اسلامی - خراسانی گفته‌اند، چون در دوره سامانیان زبان فارسی دوباره رشد و بالندگی خود را بازیافت و فلسفه و ستاره‌شناسی رشد پیدا کرد. گفتنی است تاجیک‌های آسیای میانه از اسماعیل سامانی به عنوان پدر دولت ملی تاجیکان یاد می‌نمایند، و او را نماد اقتدار و اخلاق سیاسی می‌پندارند.



سالار خراسان در حکمت

نویسنده صورةالاقالیم

استاد ذکر یای رازی

ابوزید بلخی

فیلسوف، جغرافی‌دان و متکلم

ابوزید بلخی ملقب به احمد بن سهل در سال ۲۳۵ هجری در ناحیه «شامستان» از روستاهای نزدیک به نهر غربنکی بلخ متولد شده است. ابوزید برای فراگیری دانش و علوم متداول عازم عراق گردید و در آنجا از محضر اساتید بزرگی بهره جست. او نزد یعقوب بن اسحاق کندی به کسب علوم عقلی پرداخت و هم‌چنین در عراق فلسفه، نجوم، طب و طبیعیات را آموخت و در علم کلام و دیگر دانش‌های متداول اسلامی تبحر یافت. ابوزید در علوم جغرافیا، ریاضی، کلام و فلسفه مسلط بود و به این باور بود که حکمت و شریعت با هم آمیخته‌اند. وی در نزدیک کردن این دو پدیده سهم بارز داشت. ابو حیان توحیدی، ابوزید را «سید» مشرقیان در انواع حکمت شمرده است. او هم‌چنین به کروی بودن زمین باور داشت و این ایده را مطرح کرده بود. ابوزید بلخی نزدیک به هفتاد تألیف دارد که مهمترین آن‌ها کتابی در مورد کیفیت تأویل آیات قرآن و ایراد به تأویلات اسماعیلیان و کتاب القرابین و الذبائح‌اند. ابوزید شاگردان فراوانی را تربیت کرد که زکریای رازی، فیلسوف بزرگ جهان اسلام نیز از شاگردان وی است. ابوزید در سال ۳۲۲ هجری در بلخ چشم از جهان فرو بست و در همان جا به خاک سپرده شد.

سرایش‌گر شعر مقاومت

نماد بیداری هویت

سخن معروف او :
«یا بزرگی و عز و نعمت و جاه
یا چو مردانت مرگ رویا روی»



حنظله بادغیسی

نخستین شاعر زبان فارسی

حنظله بادغیسی از نخستین سرایندگان شعر فارسی در سده سوم هجری و در زمان حکومت طاهریان است. از جزئیات زندگی حنظله اطلاعات اندکی در منابع آمده است. او در بادغیس از شهرهای معروف خراسان تولد شد و در حوزه شعر صاحب دیوان کامل بود. او را گاهی نخستین شاعر زبان فارسی نامیده اند. اشعار حنظله هم غنایی بود و هم تعلیمی و به خصوص در پایداری و ایستادگی، مضامین قوی و خوب داشت. حنظله را هم چنین بنیان‌گذار شعر پایداری یا شعر مقاومت دانسته اند که ابیات او در سده چهارم هجری ورد زبان سالوکان و عیاران خراسان بود. احمد خجستانی که از عیاران معروف خراسان و سر حلقه این دسته بود، به واسطه شعر حنظله به عیاری شتافت. او در بادغیس دیوان حنظله را می‌خواند تا به این بیت رسید: «یا بزرگی و عز نعمت و جاه - یا چو مردانت مرگ رویا روی». وظیفه خربندگی را رها کرد و از عیاران شد. حنظله در دوره حکومت عبدالله بن طاهر در نیشاپور زندگی داشت و به احتمال زیاد در نیمه اول سده سوم هجری چشم از جهان بسته است.



امیرزاده پارسا

محبوب الفقراء

زاهد خراسان

فاطمه بلخی

بزرگ بانوی عارف

فاطمه بلخی بانوی متصوف و پرهیزگار، در نیمه دوم قرن دوم هجری در بلخ چشم به جهان گشود. او را با کنیت ام علی نیز یاد کرده اند. فاطمه دختری یکی از امیران و بزرگان بلخ بود. او با ابو حامد احمد ابن خضرویه بلخی ازدواج کرد و پس از ازدواج تمام دارایی خود را به مستمندان بخشید. فاطمه در طریقت جایگاه بزرگی داشت و هنگامی که همراه با شوهرش به سفر حج می رفت در نیشاپور با ابو حفص حداد و در بازگشت با بایزید بسطامی، ملاقات کرد. فاطمه به پارسایی، تصوف و عرفان شهرت داشت. به گفته جامی در نفحات الانس، فاطمه بلخی گفته است: «خدای تعالی خلق را به خود خواند به انواع لطایف و نکویی، اجابت نکردند، پس بر ایشان ریخت، بلاهای گوناگون تا ایشان را به بلا سوی خود باز گرداند، زیرا که ایشان را دوست می دارد» وی هم چنین گفته است: «فوت حاجت آسانتر است از خواری کشیدن از برای آن است». زنی از اهل بلخ به وی آمد که آمده ام که به خدای تعالی تقرب جویم به وسیله خدمت تو، مر او را گفت: چرا به واسطه خدمت خدای تعالی به من تقرب نمی جویی؟ «فاطمه پس از سالها زندگی در زادگاهش در سال ۲۳۵ هجری در بلخ در گذشت و در دروازه نوبهار به خاک سپرده شد.

حکیم و دانا

استاد شاعران

موسیقی‌دان



ابوعبدالله رودکی

پدر شعر فارسی

ابوعبدالله جعفر بن محمد بن حکیم بن عبدالرحمن بن آدم متخلص به رودکی معروف به پدر شعر فارسی و استاد شاعران، در دوره سامانیان می‌زیست. رودکی در سال ۲۳۷ هجری در روستای پنج رودک از توابع پنجکینت تاجیکستان امروزی به دنیا آمد و بر علاوه زادگاهش در سمرقند، هرات و بلخ سفر و زندگی کرده است. رودکی در دربار ابونصر سامانی شهرت و جایگاه بلندی داشت و مورد تکریم فراوان قرار گرفت. او را ابداع کننده سبک رباعی نیز خوانده اند و به این دلیل رودکی را پدر شعر فارسی می‌گویند به این دلیل که کسی پیش از او دیوان شعری نداشته است. رودکی شاعر شعر غنایی بود و در اشعار او حماسه، آموزش، عشق و اندرز بوضوح به مشاهده می‌رسد. هر چند گفته شده است که رودکی بیش از یک میلیون بیت سروده است، اما بیش از هزار بیت از او در قالب غزل، قصیده و رباعی باقی نمانده است. کتاب‌های کلیله و دمنه و سندبادنامه از آثار به جامانده مکتوب از رودکی است. در روایات متعدد از دانایی و تسلط رودکی در عرصه موسیقی نیز آمده است. معروف‌ترین شعر او «بوی جوی مولیان» است که با موسیقی در دربار ابونصر سامانی توسط خود رودکی اجرا شده. معروف است که ابونصر تحت تأثیر همین شعر، با عجله در حالیکه فقط در یک پا کفش دارد، سواره از هرات سوی بخارا می‌رود. رودکی در سال ۳۲۹ در زادگاهش در روستای پنجکینت چشم از جهان فرو بست.



ابونصر فارابی معلم ثانی

سیاست‌پرداز بزرگ

فیلسوف نو افلاطونی

نظریه پرداز عقلانیت و دیانت

ابونصر محمد بن محمد فارابی، فیلسوف، منطق‌دان، جامعه‌شناس، طبیب، ریاضی‌دان و موسیقی‌دان معروف به معلم ثانی و بنیان‌گذار فلسفه اسلامی، بنا به روایت برخی منابع در سال ۲۵۹ هجری در فاریاب تولد شد. او به عنوان یک اشراف‌زاده دربار سامانی از تحصیلات خوب برخوردار شد و پدرش که از نظامیان معروف این سلسله بود، در تعلیم او کم توجهی نکرد. او نخستین کار خود را در دستگاه قضاوت آغاز کرد اما به زودی به دنیای مابعدالطبیعه روی آورد و برای کسب دانش بیشتر به عراق سفر کرد و در خط مکتب ارسطویی نزد استادان بزرگ آن زمان دانش فرا گرفت. فارابی در دمشق با اخشیدی‌های خراسان زندگی کرد و به ترویج تفکر فلسفی خود پرداخت. او را به حق می‌توان نخستین و بزرگ‌ترین اندیشمند سیاسی جهان اسلام دانست. فارابی علوم متداول زمان خود را در کتابی به نام احصاء العلوم جمع کرد و در این زمینه خدمت بزرگی کرد که دیگران تا اکنون از آن میراث استفاده می‌برند. این فیلسوف بزرگ سرانجام در سال ۳۳۹ هجری در دمشق چشم از جهان بست.



نخستین شاهنامه سرا

سرایش گر گشتاسب نامه/شاهنامه ابو منصور

شاعر حماسی - غنایی

دقیقی بلخی

شاعر عیار و میهن دوست

ابومنصور محمد بن احمد معروف به دقیقی بلخی، نخستین سراینده خدای-نامه-های نیاکان باستانی ما به سبک فارسی معاصر و اشعار حماسی در سال ۳۲۱ هجری در بلخ زاده شد. او بنابر سنت و آیین آن روزگار در علوم مختلف کسب علم کرد و در جوانی از شهرت بزرگ برخوردار گشت. در بعضی از منابع تاریخی او را از خانواده-های عیار و پهلوان دهگانان خراسان بزرگ دانسته اند اما توانایی دقیقی را در شعر بیشتر ستوده اند. او نخستین سراینده شاهنامه است. فردوسی کاخ بلند و بی-گزند خود را به ادامه ابتکار دقیقی نوشت. او «گشتاسب-نامه» را در آغاز شاهنامه خود بدون دخل و تصرف درج کرد و با عین وزن و سبک باقی اشعار را سرود. دقیقی در کنار حماسه-سرایی، در قصاید، غزل، قطعه و دیگر اصناف سخن هم-چنان سرآمد شاعران دوره خود بود. دقیقی با این اثر منظوم از انسان-های روزگار خود جزییات دقیق و کامل ارایه می-کند. در باره خاندان بزرگ سامانیان و چغانیان قصاید خوب از خود به یادگار گذاشته است. شهرت بلند دقیقی حسودی رقبای او را برانگیخت و به بهانه اختلاف در عقاید و اندیشه، این سراینده بزرگ را در جوانی در سال ۳۶۸ هجری و در اوج شهرت به قتل رساندند. او را در قبرستان نوبهار که آرمگاه مردان بزرگ و نامی خراسان است در بلخ در دل خاک گذاشتند.



سراینده شاهنامه

تاریخ‌پژوه عدالت‌خواه و ادیب دانا

متفکر میهن‌گرا و هویت‌خواه

ابوالقاسم فردوسی طوسی

حماسه سرای بزرگ

ابوالقاسم فردوسی طوسی ملقب به حکیم سخن، شاعر بزرگ، حماسه سرای پارسی گو و سراینده شاهنامه - حماسه تاریخ ایران زمین که امروز در قلمرو زبان پارسی و حوزه تمدن فرهنگی این خطه باستانی از احترام و جایگاه ویژه برخوردار است، در یک خانواه دهقان نژاد خراسانی در سال ۳۲۹ هجری در طوس چشم به جهان گشود. حکیم طوس خودش را دهقان نژاد گفته است. چون در دوره او پارسیان از سمرقند و بخارا تازی و بغداد، زمین داران بزرگ در فلات ایران بودند. به همین دلیل فارسی زبانان را گاهی برخی اقوام دیگر دهقان / دهگان نیز می گفتند که این اصطلاح کماکان تا امروز از سوی پشتون تباران به تاجیکان جنوب و جنوب شرق افغانستان استفاده می شود. او افزون بر زنده نگه داشتن تاریخ اساطیری و حماسی ایران زمین، از نگاه هویت خواهی نیز شهره است. شاهنامه فردوسی اضافه بر اهمیت نظم و متون بسیار مستحکم ادبی، از جهت جامعه شناسی، فرهنگ سیاسی و هویت شناسی تاریخی دوره باستانی نیز مهم خوانده می شود. این کاخ بلند حماسه سرایی در سال ۴۱۶ جاودانه شد و آرامگاه او در طوس، محل بازدید گردشگران جهان است.

امپراتور بزرگ غزنویان

پرویزالملک

شاه فرهنگ دوست



سلطان محمود غزنوی

شاه خراسان بزرگ

سلطان محمود غزنوی بن ندیم ملقب به سیف الدوله، غازی و فهیم الدوله، یکی از شاهان مقتدر دوره غزنویان در سال ۳۶۱ هجری در شهر غزنه متولد شد. او به جنگاوری، بی باکی، کثرت فتوحات و شکوه دربار در تاریخ خراسان بزرگ و اسلام شهرت ویژه دارد. او مرکز حکمروایی خود را در غزنه انتخاب نمود. مؤرخان در مورد محمود غزنوی گفته اند که او حرص عجیبی در گردآوری دانشمندان و شاعران زبان پارسی در دربار خویش داشت. به همین روی گفته می شود در زمان او بیش از چهار صد دانشمند و شاعر در دربارش حضور داشتند که به زبان پارسی او را مدح می کردند و دانشمندان بزرگ آن در پی تحقیق علوم طبیعی بودند. او به شیوه شاهان ماقبل اسلام حکومت می کرد و برخلاف امیران سامانی، صفاری و طاهری، خود را شاه و سلطان نامید و زبان پارسی را زبان حکومت داری خود انتخاب نمود. او آخرین زمستان را در بلخ سپری نمود و پس از نوروز در بهار ۴۲۱ هجری رخ بسوی غزنه کرد و در همین بهار چشم از جهان بست، درباریان و غزنویان به ماتم مرگ او گریستند و می گویند زمانی که جسد او را می شستند، در تن خویش هفتاد زخم شمشیر داشت که در اغلب نبردها از زمان جوانی تا هنگام مرگ شرکت نموده بود. او در باغ فیروزی که اکنون نیز به همان نام مسما است در قریه روضه غزنه یک منطقه پر جمعیت تاجیک نیشین در حومه این شهر به خاک سپرده شد. روضه نیز اشاره ای به محل دفن این شاه بزرگ غزنه می باشد.



ابن سینای بلخی شیخ الرئيس

پدر طب و خالق کتاب شفا

نظریه پرداز اخلاق در حکمروایی

فیلسوف و وزیر دانا

شیخ الرئيس ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسن بن علی بن سینا، مشهور به ابوعلی سینا، ابن سینا، پور سینا که به پدر طب شهرت جهانی دارد در سال ۳۵۹ هجری در یک خانواده بلخی در بخارا به دنیا آمد و در عصر نوح سامانی زندگی می کرد. پور سینا ضمن داشتن دانش بلند در طب، اخترشناس، ریاضیدان، فزیکدان، جغرافیدان، زمین شناس، شاعر، منطق دان، فیلسوف، موسیقیدان، دولت مرد و شاعر بود. آثار ابن سینا مانند شفا، دانش نامه علای و القانون فی الطب در جهان بشری کاربرد فراوان دارد و در قانون گذاری من حیث منبع معتبر استفاده می گردد. او در عرصه منطق با ابداع دو نظریه «قیاس اقترانی شرطی» و «موجهات زمانی» و در حوزه فلسفه نیز فلسفه مشائی را با دین سازگار نمود و در حوزه نفس بحث تجرد و خلود را مطرح کرد. پور سینا حدود چهار صد و پنجاه کتاب در زمینه های گوناگون بویژه طب نوشته است که کاربرد فراوان دارد و از همین جهت او را از دانشمندان بزرگ و پرکار جامعه بشری می خوانند. پور سینا در کنار دانش و پژوهش، دولت مرد حکیمی بود که به عنوان وزیر خردمند دربار سامانیان شهرت بسزایی داشت. وی در سال ۴۱۶ هجری چشم از جهان بست.

دانشمند اهل فضیلت

انسان شناس و طبیعت دان

مخترع چگالی سنج در علم فزیک



ابوریحان بیرونی

ستاره شناس و ریاضی دان

ابوریحان محمد بن احمد بیرونی، جغرافی دان، ستاره شناس، تقویم دان، ریاضی دان و تاریخ نگار، معروف به همه چیز دان و یا جامع الاطراف در سال ۳۶۲ هجری در خوارزم تولد شد. او در خوارزم و خراسان دانش فقه، کلام، جغرافیا و ریاضیات فرا گرفت. در اوایل جوانی در زمان سامانیان به بخارا رفت و در آنجا با پورسینا آشنا شد که این آشنایی در مباحثات علمی هر دو دانشمند بزرگ میراث بزرگی به یادگار ماند. با پایان حکومت سامانی، بیرونی به دعوت سلطان محمود به غزنه رفت و ستاره شناس بزرگ دربار غزنویان شد. بیرونی در رکاب سلطان محمود غزنوی در فتح هند اشتراک کرد و در این سفر کتاب معروف «ماللهند» را نوشت که از منابع معتبر هندشناسی در عصر میانه خراسان شمرده می شود. این دانشمند بزرگ هم چنان آثار و کتاب های فراوانی در حوزه های مختلف علمی از خود به یادگار مانده است. بیرونی در سال ۴۴۲ هجری در غزنی چشم از جهان بست و در همان جا به خاک سپرده شد. مشهور است که او در بستر بیماری و سفر آخرت با فقیه ابوالحسن علی ولوالجی در مورد «حساب جدات فاسده» از موضوعات ریاضی مباحث می کرد و در پاسخ به سوال والوالجی که حالا زمان استراحت است، گفت: می خواهم دانسته از جهان بروم.



حکیم سنایی غزنوی

حکیم عارف

بنیان‌گذار شعر عارفانه فارسی

عارف و صوفی بزرگ خراسان

قصیده پرداز و مثنوی‌سرا

ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی معروف به حکیم سنایی بنیان‌گذار اشعار عرفانی و شاعر برجسته در عصر غزنویان در سال ۴۷۳ هجری در غزنه چشم به جهان گشود. این عارف بزرگ نقطه عطفی در تحول شعر مداحی به شهر عرفانی است. سنایی در دور نخستین حیات شاعری خود به مدح سلاطین و بزرگان حکومت غزنوی می‌پرداخت اما پس از یک خواب عارفانه ناگهان متحول می‌شود و پس از آن به دربار و امتیازات آن پشت پا زده بر طریق سالکان و عارفان به عاشقانه‌سرایی روی می‌آورد. ممدوح اشعار سنایی خداوند بزرگ می‌گردد. چنان در این عرصه قلم می‌زند که پیر و مرشد عارفان و شاعران بزرگ پس از خود می‌شود. مولانا جلال‌الدین محمد بلخی او را چون «چشم» در طریقت و مسیر عرفانی خود می‌داند. کتاب معروف حدیقه سنایی منبع بزرگ حلقات درسی مولانا در قونیه بود و او از این اثر استفاده زیاد کرد. سنایی در سال ۵۴۵ هجری در غزنه وفات کرد و براساس اعتبار عرفانی که در روزگار خود داشت، تاکنون تاجیکان غزنی حضور بر مزار سنایی را بخشی مهم از مراسم عروسی خود می‌دانند و داماد و عروس بر مزار این عارف بزرگ می‌آیند و برای پیوند با سعادت خود دعا می‌کنند.

حکیم و طبیب

متکلم و فیلسوف

جهان گرد و سفرنامه نویس



حکیم ناصر خسرو بلخی

حجت خراسان

ابومعین ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی بلخی، معروف به ناصر خسرو در سال ۳۹۴ هجری در روستای قبادیان در بلخ بدنیا آمد. ناصر خسرو در دربار پادشاهان و امیران به کار دبیری اشتغال ورزید. او در فلسفه و حکمت دست بلند داشت و بر بسیاری از علوم عقلی و نقلی زمان خویش مانند فلسفه، حساب، طب، نجوم و کلام تبحر داشت و در سروده هایش تسلطش در آن علوم بچشم می خورد. ناصر خسرو در کنار حافظ و رودکی از زمره سه شاعری است که حافظ کل قرآن کریم بوده اند. ناصر خسرو در دوران کودکی با حوادث گوناگون روبرو شد؛ از جمله جنگ های طولانی سلطان محمود و خشک سالی بی سابقه در خراسان که به محصولات کشاورزان صدمات فراوان زد و نیز شیوع بیماری وبا در آن خطه که جان عده زیادی از مردم را گرفت. مهم ترین آثار ناصر خسرو عبارت اند از: دیوان اشعار فارسی، ۲. دیوان اشعار عربی، ۳. جامع الحکمتین، ۴. خوان الاخوان، ۵. زادالمسافرین، ۶. گشایش و رهایش، ۷. وجه دین، ۸. بستان العقول و دلیل المتحیرین، ۹. سفرنامه، ۱۰. سعادت نامه، ۱۱. روشنایی نامه. ناصر خسرو در سال ۴۸۱ هجری در بدخشان در شمال شرق افغانستان چشم از جهان فرو بست و در دره یمگان به خاک سپرده شد.



سیاست‌دان و سیاست‌گر خردمند

بنیان‌گذار مدرسه‌های مدرن

نویسنده سیاست‌نامه

نظام‌الملک طوسی

سید الوزراء

سیدالوزراء قوام‌الدین، ابوالحسن علی بن اسحاق معروف به خواجه نظام‌الملک طوسی، نویسنده، دانشمند و وزیر نامدار حکومت سلجوقیان است. خواجه در سال ۴۰۸ هجری در طوس از توابع نیشاپور در خراسان تولد شد و برای کسب دانش به بلخ رفت. او نزد ابوالحسن علی و خشعی بلخی دانش عالی فراگرفت. نظام‌الملک هم‌چنان در دوره حکومت ابوعلی بن شاذان، از امرای غزنوی در بلخ در دیوان او شروع به کار کرد. اما پس از مدتی با سلجوقیان پیوست و نزد آلپ ارسلان و ملک‌شاه وزیر اعظم شد. خواجه را می‌توان بنیان‌گذار مدرسه‌های جدید در بلاد اسلامی دانست. او در بلخ، مرو، نیشاپور، هرات، اصفهان و دیگر جاها نظامیه‌هایی تأسیس کرد که نظامیه بغداد مشهورترین آن است. هم‌چنان دانشمندان بزرگ خراسان مانند امام جوینی، امام غزالی و عمر خیام را در این نظامیه‌ها گماشت. دانشمندان معروفی از این نظامیه‌ها فارغ گشتند که رشیدالدین وطواط بلخی از فارغان نظامیه بلخ بود. در کنار امور حکومتی، نظام‌الملک خود نویسنده بود و کتاب معروف «سیاست‌نامه» را به رشته تحریر در آورد. سرانجام، این خواجه بزرگ در سال ۴۸۵ هجری در هنگام سفر حج در کرمانشاه توسط مخالفان به قتل رسید و در اصفهان به خاک سپرده شد.

سرایش‌گر اشعار عرفانی

عالم تفسیر و حدیث

مناجات‌نامه نویسنده بزرگ



خواجه عبدالله انصاری

پیر هرات

ابو اسماعیل عبدالله بن منصور محمد ملقب به خواجه عبدالله انصاری در سال ۳۹۶ هجری در هرات بدنیا آمد. خواجه عبدالله دانشمند عارف و از نوابغ ادبی خراسان محسوب می‌گردد. او مفسر قرآن، محدث، اهل فن جدل و استاد اخلاق شناخته می‌شود. شهرت خواجه انصاری به دلیل فن بلند او در سخن‌وری و اشعار با محتوایش در ستایش خداوند است. تذکره نویسان خواجه عبدالله انصاری را از اعقاب ابو ایوب انصاری از اصحاب پیامبر اسلام خوانده‌اند. خواجه عبدالله در شعر فارسی و عربی استعداد سرشار داشت. او از مصاحبت با شیخ ابوالحسن خرقانی تأثیر فراوان پذیرفت. انصاری شعر می‌سرود، ولی بیشتر شهرت او از نوشتن رسالات و کتاب‌های مشهورش از جمله ترجمهٔ املاء طبقات الصوفیه سلمی به لهجهٔ هروی و تفسیر قرآن است که اساس کار میبدی در تألیف کشف الاسرار قرار گرفته‌است. از رسائل منشور او که به نثر مسجع نوشته شده است می‌توان از مناجات‌نامه، نصایح، زادالعارفین، کنزالسالکین، قلندرنامه، محبت‌نامه، هفت حصار، رسالهٔ دل و جان، رسالهٔ واردات، الهی‌نامه، صد میدان و مصیبت‌نامه نام برد. این عارف بزرگ در سال ۴۸۱ هجری در هرات درگذشت و آرامگاهش در هرات، محل تسکین خاطر زائران است.



مهستی گنجوی ماه بانوی شعر فارسی

شاعر بدیهه سرا و بذله گو

چهارپاره سرای بزرگ

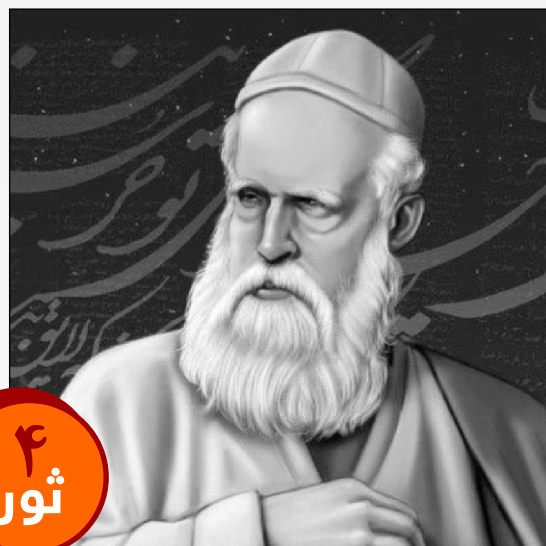
شاعر شهر آشوب

منیژه معروف به مهستی یا مهستی گنجه ای از شاعران معروف سده پنجم و ششم در سال ۴۹۰ هجری در گنجه تولد شد. برخی منابع تاریخی، زادگاه او را بدخشان، خجند و یا نیشاپور هم دانسته اند. او پس از رابعه بلخی بزرگ ترین شاعر متقدم زن در ادبیات فارسی شناخته شده است. مهستی را هم چنان پایه گذار مکتب شهر آشوب در شعر دانسته اند که پس از عمر خیام، رباعیات او بی نظر است. مهستی در موسیقی نیز ذوق سرشار داشت و چنگ، عود و تار را به خوبی می نواخت. از جزئیات زندگی این شاعر بلند آوازه اطلاعات اندک در دست است. در منابع آمده است که مهستی با امیر احمد فرزند خطیب شهر گنجه که خود از شاعران روزگار بود، ازدواج کرد. البته مهستی و امیر احمد داستان دلدادگی به هم دیگر نیز دارند. مهستی اهل سفر بوده و از مسافرت او به بلخ و مرو ذکر شده است. او در سفری به بلخ با عمر خیام نیشاپوری که در این زمان در بلخ بوده دیدار کرده است. مهستی در سال ۵۷۷ هجری چشم از جهان بست.

ریاضی دان و ستاره شناس

ادیب و موسیقی دان

کیمیا و فزیک دان



عمر خیام

ستاره شناس و پدر رباعی

غیاث الدین ابوالفتح عمر بن ابراهیم ملقب به خیام نیشاپوری در سال ۴۲۷ هجری بدنیا آمده است. شهرت او به دلیل سرایش رباعیات اش فراتر از مرزهای ایران زمین گسترش پیدا کرده است، اما او بیشتر از یک شاعر و ادیب، به عنوان موسیقی دان، عارف، مفسر، فزیک دان، زیست شناس، زمین شناس و ستاره شناس در عصر سلجوقیان مطرح بوده است. عمر خیام در دربار خواجه نظام الملک، گاهشماری را پایه گذاشت که تا امروز به عنوان یک محاسبه دقیق و علمی کاربرد دارد. نقش خیام در حل معادلات درجه سوم و مطالعاتش درباره اصل پنجم اقلیدس نام او را به عنوان ریاضی دان برجسته در تاریخ علم ثبت کرده است. خیام بسیاری از علوم و فنون را از طریق آثار ابن سینای بلخی فرا گرفت و هم چنین او از امام موفق نیشاپوری نیز به عنوان استادش تأثیر پذیر بود. رباعیات خیام به اکثر زبان های زنده دنیا برگردان شده است و آوازه وی در غرب به طور مشخص بیشتر مدیون ترجمه ادوارد فیتز جerald از رباعیات او به زبان انگلیسی است. خیام در سال ۵۱۷ هجری در نیشاپور از توابع خراسان در گذشت و آرامگاهش در آن شهر زیارت گاه همه گان است.



دارو ساز و حکیم

سالک طریقت

شاعر عارف

فریدالدین عطار نیشاپوری عارف و متکلم

فریدالدین ابوحامد محمد عطار نیشاپوری مشهور به شیخ عطار نیشاپوری در سال ۵۴۰ هجری در نیشاپور از توابع خراسان به جهان آمد. عطار- عارف، حکیم و دانشمند بزرگی است که در داروسازی دست بلندی داشت. او داروسازی را از پدرش آموخته بود و به این باور بود که در کاسبی خود می تواند عرفان را نیز طی کند و از مدح شاهان در امان باشد. هفت شهر عشق عطار که در عرفان معروف است از وی چنین نقل شده است: نخستین «جستجو و طلب» است، باید در راه مقصود کوشید- دوم مقام «عشق» است که بی درنگ باید به راه وصال گام نهاد. سوم «معرفت» است که هر کس به قدر شایستگی خود راهی برمی گزیند. چهارم «استغنا» است که مرد عارف باید از جهان و جهانیان بی نیاز باشد. پنجم مقام «توحید» است که همه چیز در وحدت خدا مشأا هده می شود. ششم مقام «حیرت» است که انسان در می یابد که دانسته های او بسیار اندک و محدود است. هفتم مقام «فنا» است که تمام شهوات و خودپرستی های آدمی از اوزایل می شود و می رود تا به حق واصل شود و در واقع از این فنا به بقا می رسد. از عطار آثار مهمی چون؛ الهی نامه، اسرار نامه، مصیبت نامه، تذکره الاولیا، منطق الطیر، جواهر نامه، خسرو نامه، مختار نامه، مظهره العجایب و پند نامه بجا مانده است. عطار نیشاپوری در سال ۶۱۸ هجری در نیشاپور بدست لشکریان چنگیز به شهادت رسید و در همانجا به خاک سپرده شد.

فقیه عارف و متکلم عاشق

حامی کثرت‌گرایی و همدلی

سرایندهٔ مثنوی معنوی



مولانا جلال الدین محمد بلخی خداوندگار بلخ

جلال الدین محمد بلخی معروف به مولوی، مولانا و رومی شاعر فارسی گوی خراسان بزرگ، نام مکمل او "محمد بن محمد حسین حسینی خطیبی بکری بلخی" و در دوران حیات به القاب "جلال الدین" خداوندگار "نامیده می‌شده است. او در سال ۶۰۴ هجری در خانواده بهاء الدین ولد معروف به سلطان العلمای بلخ، خانوادهٔ پارسی زبان و اهل طریقت چشم به جهان گشود که تا اکنون آثاری از خانقاه پدری اش در شهرستان بلخ ولایت بلخ موجود است. مولانا در روزگار کودکی هم زمان با هجوم چنگیز به بلخ، مجبور شد همراه پدر زادگاهش را ترک نماید. در مسیر سفر با عطار نیشاپوری نیز ملاقات کرد و عطار مولانا را ستوده و کتاب اسرار نامه خود را به او هدیه داده است. با دعوت علاء الدین کیقباد سلجوقی، به قونیه که در آن زمان یکی از شهرهای مصئون از حملات چنگیز پنداشته می‌شد، رهسپار آن دیار شد و تا آخر عمر در آنجا زندگی کرد. با بنیان گذاری پلور الیسم دینی، تساهل و تسامح مذهبی پیام آشتی و صلح جهانی را در اندیشه اش پروراند. از این منظر مولانا فراتر از یک شاعر عارف در زبان‌های مختلف دنیا به عنوان یک متفکر و دانشمند کثرت‌گرا شناخته می‌شود که بر پایهٔ عشق و اخلاق، جوامع بشری را به همدلی و هم‌نوع دوستی دعوت کرده است. او در سال ۶۷۲ در قونیه چشم از جهان بست و آرامگاهش در آن شهر یکی از پربازدیدترین مکان‌های گردش‌گران جهان است.



عارف و صوفی

سیاستمدار با تدبیر

بانوی شمشیرزن

سلطان رضیه

نخستین بانوی حاکم مسلمان

سلطان رضیه غوری دختر سلطان شمس الدین التتمش غوری، در نیمه دوم قرن ششم هجری زاده شد. او نخستین زن مسلمانی است که موفق به مقام کرسی پادشاهی گردید. پدر سلطان رضیه با وقوف از درایت و ذکاوت سیاسی و فرهنگی دخترش او را به ولیعهدی خود انتخاب کرد. او در نتیجه توجه خاص پدر، تمام علوم متداوله آن زمان را به خوبی فرا گرفت و بر حسب میل سلطان التتمش در اسب سواری و شمشیرزنی مهارت کسب نمود. رضیه در پهلوی اینکه یک سلطان مدبر و سیاستمدار آزموده بود، شاعری ورزیده‌ی نیز بود و اشعارش با نام شیرین دهلوی و شیرین غوری، بازتاب میافت. او در شاعری، به داشتن قریحه خوب و نازک خیالی معروف بود. سلطان رضیه پس از پدرش، در هند حکومت کرد و در دوره چهار ساله حکومت خود در کنار مدیریت عالی حکومت‌داری، عدالت را نیز در جامعه برقرار کرد و وزارت را رشد و توسعه بخشید. او به این باور بود که عدالت مبنای کار حکومت‌داری است و بدون تحقق آن نمی‌شود بقای حکومت را تضمین کرد. سلطان رضیه در سال ۶۳۷ هجری به قتل رسید و در دهلی قدیم (معروف به دهلی کهنه امروزی) به خاک سپرده شد.

موسیقی‌دان و شاعر

عارف بزرگ

متکلم و فقیه



مولانا عبدالرحمن جامی خاتم الشعرا

نورالدین عبدالرحمن بن احمد بن محمد جامی معروف به مولانا عبدالرحمن جامی در سال ۷۹۳ هجری در حوالی هرات از شهرهای معروف خراسان به دنیا آمد. جامی مقدمات ادبیات فارسی و عربی را نزد پدرش آموخت و چون خانواده اش شهر هرات را برای اقامت خود برگزیدند، او نیز فرصت یافت تا در مدرسه نظامیه هرات که از مراکز علمی معتبر آن زمان بود، مشغول به تحصیل شود و علوم متداول زمان خود همچون صرف و نحو، منطق، حکمت مشایی، حکمت اشراق، طبیعیات، ریاضیات، فقه، اصول، حدیث، قرائت و تفسیر به خوبی بیاموزد و از محضر استادانی چون خواجه علی سمرقندی و محمد جاجرمی استفاده کند. جامی را به دلیل توانایی بلندش در سرایش شعر، جایگاه خاتم الشعرا داده اند. جامی در کنار شهرت فراوان در شعر، در تصوف، موسیقی و عرفان نیز جایگاه بلندی دارد. او در محضر خواجه علی سمرقندی و محمد جاجرمی علوم را فرا گرفت و در تصوف از سعدالدین محمد کاشغری نقش‌بندی پیروی می‌کرد پس از درگذشت کاشغری به مقام مرشدی طریقه نقش‌بندی رسید. مولانا جامی پس از مدتی اقامت در هرات، راه سمرقند را در پیش گرفت و در آن‌جا مورد حمایت شاه فرهنگ‌پرور، الغ بیگ، در دربار تیموری قرار گرفت. از جامی آثار گران‌سنگی به جا مانده است که مهم‌ترین آن‌ها بهارستان، شواهد النبوه و نفحات الانس است. او پس از سال‌ها زندگی در هرات و سمرقند و تربیت شاگردان فراوان در سال ۸۷۱ در هرات درگذشت و در تخت مزار هرات به خاک سپرده شد.



شاعر و زبان‌شناس

موسیقی‌دان و نقاش

عارف و صوفی

امیر علی شیر نوایی

سیاست‌مدار خردمند

علی شیر بن غیاث الدین کیچکنه بخشی یا کیچکینه بهادر، ملقب به نظام الدین، شاعر، متکلم و دولت‌مرد فاضل و دانای عصر تیموریان در سال ۸۴۴ هجری در هرات به دنیا آمد. نوایی تحصیلات اولیه خود را نزد پدرش کیچکینه بخشی، که از جمله امرای دربار تیموریان بود، کسب کرد و سپس برای ادامه تحصیل به سمرقند رفت. علی شیر در خردسالی با سلطان حسین میرزا هم‌درس و هم‌مدرسه بود. نوایی از آن پس به منظور تحصیل معارف و کمالات به خراسان و سمرقند و بسیاری از شهرهای دیگر رفت. نوایی در کنار سرایش شعر به زبان‌های فارسی و ترکی چغتایی، در عرفان، زبان‌شناسی، نقاشی و موسیقی نیز دانش کافی داشت. نوایی به علاوه کتابت و سیاست، در امور خیریه و خدمات عامه نیز دست بلندی داشت. مشهورترین آثاری که توسط امیر علی شیر بنیاد گردید می‌توان به مجتمع آموزشی اخلاصیه هرات، آرامگاه عطار در نیشاپور، کتابخانه امیر علی شیر در هرات، آرامگاه جامی در هرات، آبراهه چشمه گیلان مشهد، آرامگاه شاه قاسم انوار تربت جام، دارالحفاظ و ایوان صحن عتیق حرم رضا در مشهد، کاروانسرای سنگ بست، مسجد جامع ترشیز، رباط اسفراین، رباط چناران (البته برخی این بنا را مربوط به دوره صفوی می‌دانند)، بند طرق مشهد، پل بابا کمال هرات، مدرسه فناییه هرات و مسجد جامع سرخس اشاره داشت. نوایی در سال ۹۰۶ هجری در هرات درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد.

NOWRUZ

NAMA

First Edition - Nowruz 2023

SPECIAL ISSUE:
NOWRUZ CHEHLRUZ

A Look at the Biographies of the 40 Characters of Nowruz-Chehlruz

حكيم ناصر خسرو بلخي
نظام الملک طوسي
خواجه عبدالله انصاري
مهستی گنجوی
عمر خیام
فریدالدین عطار نیشاپوری
جلال الدین محمد بلخي
سلطان رضیه
مولانا عبدالرحمن جامی
امیر علی شیر نوایی

حنظله بادغیسی
فاطمه بلخي
ابو عبدالله رودکی
ابونصر فارابی
دقیقی بلخي
ابوالقاسم فردوسی
سلطان محمود غزنوی
ابن سینای بلخي
ابوریحان بیرونی
حکیم سنایی غزنوی

حضرت علی
امام ابوحنیفه
ابوسلیمان جوزجانی
ابومسلم خراسانی
خالد برمکی
ابومعشر بلخي
بشار تخارستانی
رابعه بلخي
شاه اسماعیل سامانی
ابوزید بلخي

کیومرث
یما جمشید
سیندخت کابلی
رستم داستان
گشتاسب
تهمینه
زردشت
پروچستای بلخي
اسفندیار
شهبانو گندهاری